

معرفی و بررسی کتاب مشاوره‌ی فلسفی (نظر و عمل)

رهام شرف^۱

مقدمه

مشاوره‌ی فلسفی یکی از اقسام مشاوره است که در اواخر قرن بیستم توسط افرادی چون گرد آخن باخ و الیوت کوهن مطرح شد و توجه بسیاری از روان‌درمانگران و فیلسوفانی که به نقش عملی فلسفه در زندگی انسان علاقه داشتند را به خود جلب کرد. در این نوع مشاوره به جای تمرکز بر هیجانات، احساسات و باورهای سطحی‌تر مراجعان، به باورهای بنیادین، جهان‌بینی و ادله آنها برای باورهایشان تاکید می‌شود. بر همین مبنا امروزه در کشورهای توسعه یافته‌ی جهان، مشاوران فلسفی در زمینه‌هایی چون معضلات اخلاقی، تعارض در باورهای دینی، چالش‌های فلسفی، مشکلات شغلی، ازدواج و مشکلات زناشویی و حتی اختلالات روانشناختی به مراجعان خود مشاوره می‌دهند. مشاوره‌ی فلسفی بیش از آنکه رقیب روان‌درمانی باشد مکملی برای آن است، به همین دلیل در آمریکا انجمن مشاوره‌ی فلسفی ملی^۲ در ارتباط و تعامل نزدیک با انجمن آلبرت آلیس (یکی از مهم‌ترین بنیانگذاران روان‌درمانی شناختی) کار می‌کند. با وجود توجه به اهمیت مشاوره‌ی فلسفی در بسیاری از کشورهای جهان، متأسفانه در کشور ما این نوع مشاوره علی‌رغم نقش آن در تسهیل مشکلات فردی و اجتماعی انسان‌ها مغفول مانده است.^۳ کتاب مشاوره‌ی فلسفی (عمل و نظر) گامی است در جهت معرفی مشاوره‌ی فلسفی به جامعه‌ی علمی و با توجه به گزارش خوبی که از ماهیت این نوع مشاوره در این اثر مطرح شده، می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ی فلسفی در کشور فراهم نماید.

۱- معرفی کتاب

کتاب مشاوره‌ی فلسفی (نظر و عمل) نوشته‌ی پیتربی. راب است و توسط آقای علی علوی‌نیا به زبان فارسی ترجمه شده است. این کتاب که در قطع وزیری است ۴۰۲ صفحه بوده و انتشارات فراروان آن را منتشر کرده است. کتاب مشاوره‌ی فلسفی از سه بخش اصلی تشکیل شده که بخش اول آن متشکل از سه فصل بوده و در آن به مباحثی چون: خاستگاه و تاریخچه‌ی مشاوره‌ی فلسفی، تبیین مفاهیم بنیادین و روشهای اصلی در مشاوره‌ی فلسفی و بالاخره تدقیق در مرزهای میان این نوع مشاوره با روان‌درمانی پرداخته می‌شود. بخش دوم کتاب دو فصل را دربرمی‌گیرد و در این بخش بیشتر

^۱. استادیار دانشگاه زنجان، rahamsharaf@yahoo.com

^۲. NPCA(National Philosophical Counselling Assosiation)

^۳. البته ایده مشاوره‌ی فلسفی برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۹۶ توسط گروه فلسفه دانشگاه زنجان مطرح و از آن سال تا به امروز در این دانشگاه به مراجعان خدمات مشاوره‌ی فلسفی ارائه می‌شود.

تلاش می‌شود به معرفی الگویی عملی برای مشاوره‌ی فلسفی با توجه به مفاهیم و بضاعت‌های موجود در این زمینه پرداخته شود. در نهایت مؤلف در بخش سوم کتاب کوشش می‌کند تا کاربرد عملی مشاوره‌ی فلسفی را با روایت مطالعات موردی نشان دهد. این بخش از چهار فصل تشکیل شده و در هر فصل یک مطالعه‌ی موردی بررسی می‌شود. در ادامه تلاش خواهیم کرد به معرفی اجمالی مباحث طرح شده در هر یک از فصول کتاب بپردازیم.^۱

۱-۲ فصل اول: مروری بر مفاهیم

در این فصل از کتاب تلاش می‌شود ضمن ارائه‌ی تاریخچه‌ای مختصر از مشاوره‌ی فلسفی و تعریف آن، به بیان مفاهیم بنیادینی که در این نوع مشاوره وجود دارد پرداخته شود. از جمله مهم‌ترین مفاهیم و پیش‌فرض‌های مهم مشاوره‌ی فلسفی که در این فصل به آنها پرداخته شده، مفهوم جهان بینی، رابطه و مراجع محوری، تأویل و پدیدارشناسی هستند. بر مبنای دیدگاه مؤلف در مشاوره‌ی فلسفی مراجع محوری اهمیت بالایی دارد به این معنا که فیلسوف در این نوع مشاوره صرفاً نقش راهنما را داشته و در نهایت خود مراجع است که با توجه به نیروی اختیار به تحقق فرآیند درمان کمک می‌کند. از این منظر مشاوره‌ی فلسفی شباهت زیادی با درمان مراجع محور کارل راجرز دارد. از سوی دیگر مشاوره‌ی فلسفی بیشتر با دیدگاه کلی و جهان‌بینی مراجع سروکار داشته و از منظری فلسفی به تحلیل مسائل مراجعان می‌پردازد و بر همین اساس مفهوم جهان‌بینی و تفسیرها و تأویل‌های درمانگر و مراجع در رابطه با جهان‌بینی مراجع از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱-۳ فصل دوم: ساختارشناسی روش‌شناسی‌ها

در این فصل به روش‌ها و فنونی پرداخته می‌شود که در مشاوره‌ی فلسفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گفت‌وگو به عنوان مهم‌ترین و بنیادی‌ترین روش در مشاوره‌ی فلسفی معرفی شده و تلاش می‌شود مرزهای گفت‌وگو در روان‌درمانی و مشاوره‌ی فلسفی بیان شوند. دو روش بنیادی که در مشاوره‌ی فلسفی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و در این فصل نیز به آنها پرداخته شده، روش گفت‌وگوی سقراطی^۲ و منطق محور^۳ است. مبنای روش گفت‌وگوی سقراطی به گفت‌وگوهایی بازمی‌گردد که سقراط با سوفسطاییان داشت. در این گفت‌وگوها تلاش سقراط به چالش کشیدن ذهن مخاطب برای طرح پرسش‌های بنیادی‌تر و نزدیک‌تر شدن به حقیقت بود و یافتن پاسخ نهایی مورد توجه نبود. بنابراین مشاور فلسفی‌ای که از این روش استفاده می‌کند نیز باید در این چهارچوب عمل کند. در روش منطق محور تا حد زیادی

^۱ اما با توجه به اینکه فصول بخش سوم کتاب به مطالعات موردی می‌پردازد و هدف از این نوشتار بیشتر معرفی کلیت مباحث طرح شده در کتاب مشاوره‌ی فلسفی است، جهت جلوگیری از اطناب مطالب از طرح مباحث موجود در فصول چهارگانه‌ی بخش سوم صرف نظر می‌کنیم.

^۲ Socratic Dialogue

^۳ Logic-based Therapy

تحلیل و به کارگیری ابزارهای منطقی مد نظر است. مشاوره فلسفی‌ای که از این روش استفاده می‌کند لازم است استدلال‌های مراجعان برای باورهایشان را از منظر منطقی مورد مذاقه قرار داده، مغالطه‌های آنها را کشف کرده و به مراجع کمک کند تا دلایلی منطقی برای باورها و اعتقاداتشان ارائه دهند.

۴-۱ فصل سوم: دیالکتیک مشاوره‌ی فلسفی/روان‌درمانی

در این فصل تلاش شده تا مرزهای میان مشاوره‌ی فلسفی و روان‌درمانی مشخص شود. از نظر مؤلف، در روان‌درمانی بیشتر تلاش می‌شود تا مشکلات روحی و روانی مراجعان را با توجه به هیجانات و احساسات آنها و با استفاده از ابزارهای روانشناختی درمان نمود، حال آنکه در مشاوره‌ی فلسفی تأکید اصلی بر جهان‌بینی و باورهای بنیادین مراجعان است. در ادامه مؤلف به شباهت میان مشاوره‌ی فلسفی با نظریات روان‌درمانی همچون درمان‌های شناختی می‌پردازد و تلاش می‌کند شباهت‌ها و تفاوت‌های مشاوره‌ی فلسفی با این نوع درمان‌ها را مشخص کند. البته دیدگاه اصلی مؤلف این است که مرز چندان دقیقی میان درمان‌های شناختی و مشاوره‌ی فلسفی وجود ندارد تا آنجا که برخی افراد همچون مایکل راسل معتقدند فیلسوف برای ارایه‌ی خدمات مشاوره‌ی شناختی شایسته‌تر از روان‌درمانگر است. در ادامه‌ی این فصل مؤلف به نقد نظریه روان‌درمانی روانکاوانه‌ی فروید بر مبنای مبانی مشاوره‌ی فلسفی می‌پردازد.

۵-۱ فصل چهارم: ترکیب بنیادها

در این فصل بی‌ربطی از هر چیز تلاش می‌کند تا بر اساس بضاعت محتوایی موجود در مشاوره‌ی فلسفی، الگویی جدید برای روش و مراحل درمان در این نوع مشاوره صورت‌بندی کند. در همین راستا وی چهار مرحله‌ی اصلی را برای مشاوره‌ی فلسفی برمی‌شمارد که عبارتند از: شناوری آزاد، حل مشکل کنونی، آموزش به عنوان یک عمل التفاتی و فراروی. در مرحله‌ی شناوری آزاد بیش از هر چیز بر گوش دادن همدلانه و غیر قضاوتی به مراجع توجه می‌شود. در مرحله‌ی حل مشکل کنونی، مشاور فلسفی فعالانه‌تر وارد عمل می‌شود و لازم است به درخواست مراجع مبنی بر اینکه راهکار صحیح و بهترین انتخاب کدام است پاسخ دهد. البته در نهایت این مراجع است که باید بر مبنای پاسخ‌ها و تحلیل‌های موجود بهترین پاسخ را برگزینند. در مرحله‌ی آموزش به عنوان عملی التفاتی، مشاور فلسفی کوشش می‌کند تفکر انتقادی و راهکارهای مواجهه‌ی صحیح با مشکلات و معضلات زندگی را به مراجع بیاموزد. مسأله‌ی مهم در این مرحله این است که مراجع به فردی مستقل و متکی به خود تبدیل شده و وابستگی همیشگی به مشاور نداشته باشد. در مرحله‌ی آخر که فراروی نام دارد به مراجع آموزش داده می‌شود که از سطح مسائل فردی خود فراتر رفته و مشکلات را در بستر کلی اجتماعی و حتی تاریخی آنها مورد ملاحظه قرار دهد. می‌توان گفت در این مرحله توانمندی نگاه هلیکوپتری به مشکلات زندگی به مراجع آموخته می‌شود و این نوع نگرش نقش مهمی در تسهیل معضلاتی دارد که مراجعان با آنها دست به گریبان هستند. در پایان این فصل به محدودیت‌های مشاوره‌ی فلسفی اشاره می‌شود. به عنوان

نمونه از نظر مؤلف، مشاوره‌ی فلسفی در برطرف نمودن مشکلاتی که ریشه‌های عمیق زیست‌شناسانه داشته و نیاز به تجویز دارو در آنها به نحو آشکار احساس می‌شود، چندان کارایی ندارد.

۶-۱ فصل پنجم: پس مشاوره‌ی فلسفی چیست؟

در این فصل مؤلف تلاش می‌کند با توجه به مطالبی که در فصول قبلی در باب مشاوره‌ی فلسفی بیان شد، تعریفی دقیق‌تر از این نوع مشاوره ارائه دهد. از نظر مؤلف فلسفه‌ی اصیل باید بتواند با همه‌ی مردم ارتباط برقرار کند و دردی از جامعه دوا کند، بنابراین لازم است فیلسوف به هنگام به‌کارگیری فلسفه و مشاوره‌ی فلسفی، از زبانی عام فهم و قابل درک استفاده کند.

۲- نقد و بررسی کتاب مشاوره‌ی فلسفی

در این بخش تلاش خواهیم کرد نقاط قوت و ضعف کتاب مشاوره‌ی فلسفی پیتر بی راب را بیان کنیم.

۱-۲ نقاط قوت

مهم‌ترین مسأله‌ی مثبت در رابطه با کتاب مشاوره‌ی فلسفی، پیشگام بودن این اثر در ایران در خصوص موضوع مشاوره‌ی فلسفی است. این اثر گزارشی نسبتاً جامع و مناسب از کلیت مشاوره‌ی فلسفی ارائه داده و بر مبنای نظمی منطقی از تاریخچه‌ی بحث آغاز کرده، مبانی نظری را طرح نموده و در نهایت نیز کاربردهای عملی این نوع مشاوره را در مطالعات موردی نشان داده است. یکی از مسائل مهمی که در رابطه با مشاوره‌ی فلسفی مطرح است و معمولاً در کتب و مقالات مرتبط با این نوع مشاوره به آن پرداخته می‌شود، مرز میان این نوع مشاوره و روان‌درمانی است. از آنجا که مشاوره‌ی فلسفی نوپا بوده و هنوز هم برخی روان‌درمانگران وجود آن را غیرضروری می‌دانند، چرا که معتقدند خدماتی ویژه و متمایز با روان‌درمانی ارائه نمی‌دهد، تعیین مرز میان این نوع مشاوره و روان‌درمانی از اهمیت بالایی برخوردار است.

از جمله امتیازات مهم دیگر این اثر ارائه‌ی الگویی جدید برای مشاوره‌ی فلسفی است که از سوی پیتر بی. راب مؤلف این اثر مطرح شده و او صورتبندی مناسبی از این روش درمانی ارائه داده است. به نظر می‌آید بی راب به خوبی از ظرفیت‌های موجود در مشاوره‌ی فلسفی استفاده کرده و توانسته بر مبنای آنها گزارشی منسجم و دقیق از مراحل مشاوره‌ی فلسفی در الگوی درمانی جدید خود ارائه کند. در نهایت باید به ترجمه‌ی فارسی روان و سلیس این اثر توسط آقای علی علوی‌نیا اشاره نمود که انصافاً نقش مهمی در انتقال مطالب این اثر و جذابیت آن برای مخاطب دارد.

۲-۲ نقاط ضعف

در این بخش به پاره‌ای از کاستی‌های اثر بی راب خواهیم پرداخت. اولین مساله جسته و گریخته مطرح شدن برخی از مطالب در این اثر است. به عنوان نمونه در عین حال که مؤلف فصل سوم کتاب را به تبیین مرز میان مشاوره‌ی فلسفی و روان‌درمانی اختصاص داده، پیش از این فصل نیز به نحو جسته و گریخته به تفاوت‌های مشاوره‌ی فلسفی و روان‌درمانی پرداخته که به نظر می‌آید بهتر بود کل مطالب مرتبط با رابطه‌ی این دو نوع مشاوره به نحو منسجم و یکدست در فصل سوم مطرح شود.

برخی عناوینی که در این اثر برای مطالب استفاده شده چندان مناسب و رسا نیست و به نظر می‌آید این امکان وجود داشت که از عناوین بهتری استفاده شود. از میان این عناوین می‌توان به عنوان فصل چهارم (ترکیب بنیادها) و عنوان فصل پنجم (پس مشاوره‌ی فلسفی چیست؟) اشاره نمود. از طرف دیگر به نظر می‌آید آوردن هر یک از مطالعات موردی تحت عنوانی مستقل چندان جالب نباشد و بهتر بود مؤلف تمامی مطالعات موردی را ذیل یک فصل مطرح می‌نمود.

با توجه به نوین بودن مشاوره‌ی فلسفی در ایران خوب بود مترجم مقدمه‌ای چند صفحه‌ای به کتاب اضافه می‌نمود و در آن ضرورت مشاوره‌ی فلسفی و مبانی فلسفی نظریات روان‌درمانی را به اختصار بیان می‌کرد. به عنوان نمونه روان‌درمانی اگزیستانسیال اروین یالوم یا مکتب معنادرمانی ویکتور فرانکل اساساً بر مبنای فلسفه‌های وجودی پی‌ریزی شده‌اند، تا جایی که خود این روان‌درمانگران نیز بر این مطلب صحنه گذاشته در بخش‌های مختلف آثار خود از فیلسوفانی چون نیچه و هایدگر یاد می‌کنند. اضافه کردن این بخش به کتاب موجب می‌شد پیش از طرح مبحث مشاوره‌ی فلسفی، مخاطب ذهنیتی نسبت به ارتباط مشاوره و درمان با فلسفه داشته باشد و بدون شک این ذهنیت او را در درک بهتر مبانی مشاوره‌ی فلسفی یاری می‌نمود.

آخرین اشکالی که به این اثر وارد است مشخص نکردن مرز میان درمان‌های وجودی و معنادرمانی با مشاوره‌ی فلسفی در فصل سوم کتاب است. بسیاری از افرادی که ضرورت وجود مشاوره‌ی فلسفی را زیر سوال می‌برند این گونه استدلال می‌کنند که آنچه مشاوره‌ی فلسفی قصد انجام آن را دارد در درمان‌های وجودی و معنادرمانی به طور کامل لحاظ شده و اساساً نیازی به مشاوره‌ی فلسفی نیست. این افراد نقش محوری فلسفه در روان‌درمانی را انکار نمی‌کنند اما معتقدند به عنوان نمونه یک معنادرمانگر اطلاعات لازم فلسفی را در مکتب معنادرمانی به دست می‌آورد و مشاوره‌ی فلسفی در فرآیند درمان کمک خاصی به او نمی‌کند. اما افرادی چون کوهن تلاش کرده‌اند تا مرز میان مشاوره‌ی فلسفی با معنادرمانی و درمان‌های وجودی را مشخص کرده و در نهایت از ضرورت وجود این نوع مشاوره دفاع کنند.